



## «حلقات»

# درس 7

استاد: حجت‌الاسلام و المسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای عطایی

برای اثبات حجّیت خبر واحد، طوایف گوناگونی از اخبار معصومین مورد بررسی قرار گرفت؛ اخباری که ادعا می شد هر کدام به نوعی بر صحت این مسأله دلالت دارند.

شهید صدر (ره) این اخبار را به ده طایفه تقسیم کرده بود که در مباحث پیشین، نه طایفه از آنها مورد بحث قرار گرفت و در نهایت، استدلال به هشت طایفه، دارای خدشه و قابل مناقشه شناخته شد و فقط طایفه نهم بدون اشکال باقی ماند.

در این درس، طایفه دهم از اخبار مذکور را مورد بررسی قرار می دهیم. به تعبیر شهید صدر (ره) طایفه دهم، بهترین اخباری هستند که در بین تمام طوایف دهگانه می توان برای حجّیت خبر واحد به آنها استدلال کرد؛ چرا که مدلول آنها به حجّیت خبر ثقه که مطلوب نهایی بحث است، نزدیک تر بوده و دلالت روشنی برای جواز رجوع به مطلّ ق اهل وثوق دارند؛ البته خواهیم دید که شهید صدر (ره) در بخشی از روایات این طایفه نیز اشکالاتی دارد.

الطائفة العاشرة: ما دل بشكل و آخر على الإرجاع إلى كلى الثقة اما ابتداء، و اما تعليلاً للإرجاع إلى اشخاص معينين على نحو يفهم منه الضابط الكلى.. و هذه الطائفة هي أحسن ما فى الباب.

و فى روايات هذه الطائفة ما لا يخلو من مناقشة أيضاً من قبيل قوله:

«فانه لا عذر لأحد من موالينا فى التشكيك فيما روى عنا ثقاتنا قد عرفوا بأننا نفاوضهم بسرنا، و نحمله إياهم إليهم» «فان عنوان ثقاتنا أخص من عنوان الثقات و لعله يتناول خصوص الأشخاص المعتمدين شخصياً للإمام، و المؤتمنين من قبله فلا يدل على الحجية فى نطاق أوسع من ذلك.

و فى روايات هذه الطائفة ما لا مناقشة فى دلالتها، من قبيل ما رواه محمد بن عيسى: «قال: قلت لأبى الحسن الرضا : جعلت فداك انى لا أكاد أصل إليك لأسألك عن كل ما احتاج إليه من معالم دينى أ فيونس بن عبد الرحمن ثقة آخذ عنه ما احتاج إليه من معالم دينى، فقال: نعم» و لما كان المركز فى ذهن الراوى ان مناط التحويل هو الوثاقة، و أقره الإمام على ذلك دل الحديث على حجية خبر الثقة.

غير ان عدد الروايات الثامة دلالة على هذا المزوال لا يبلغ مستوى التواتر لأنه عدد محدود. نعم قد تبذل عنايات فى تجميع ملاحظات توجب الاطمئنان الشخصى بصدور بعض هذه الروايات لمزايا فى رجال سندها و نحو ذلك.

## مدلول روایات طایفه دهم

مدلول این دسته از روایات، ارجاع مؤمنین به ثقات (افراد مورد وثوق) است. در این روایات مشاهده می شود کسانی که برای به دست آوردن مسائل و احکام شرعی خود به معصومین (ع) مراجعه می کنند، از سوی ایشان به افراد ثقه ارجاع داده می شوند.

### چگونگی دلالت طایفه دهم بر حجّیت خبر واحد

این دسته از روایات، دو گونه اند:

۱. امام (ع) مراجعه کنندگان را به افراد ثقه ارجاع می دهند و نامی از فرد خاصی نمی برند.
  ۲. امام (ع) مراجعه کنندگان را به فرد خاصی ارجاع می دهند، و ثقه بودن فرد را علّت رجوع به وی معرفی می کنند؛ به نحوی که از این تعلیل به یک ضابطه کلی برای شناخت کسانی که قابل مراجعه هستند، پی می بریم.
- نکته:** محتوا و مضمون هر دو نوع از روایات طایفه دهم، جواز رجوع به هر ثقه ای برای به دست آوردن احکام شرعی است.

Sco1: 5:17

### گوناهونی روایات طایفه دهم از نظر قابلیت استدلال

باید توجه داشت که همه روایات این طایفه از نظر قابلیت استدلال برای حجّیت خبر واحد در یک سطح نمی باشند بلکه برخی از آنها قابل مناقشه هستند.

#### نمونه ای از روایات قابل مناقشه

«فانّه لا عذر لأحدٍ من موالینا فی التشکیک فی ما روی عنّا ثقاتنا...؛ هیچ عذری برای پیروان ما وجود ندارد که با تمسک به آن عذر در آنچه ثقات ما از ما روایت می کنند، تشکیک کنند.»

**اشکال:** تعبیر «ثقاتنا» که در روایت آمده، اخصّ از چیزی است که ما به دنبال آن هستیم؛ چرا که شاید این تعبیر فقط شامل افرادی شود که به طور خاص مورد اعتماد امام بوده اند، در حالی که ما به دنبال این هستیم که حجّیت قول هر ثقه ای را اثبات کنیم و نه ثقه های خاص مورد نظر معصومین (ع) را.

Sco2:13:23

## نمونه‌ای از روایات غیر قابل مناقشه

محمد بن عیسی به امام رضا (ع) عرض می‌کند: من نمی‌توانم خدمت شما برسم و مسائل دینی مورد احتیاج م را از شما بپرسم؛ آیا یونس بن عبدالرحمان ثقه است، تا مسائل را از او فرا بگیرم؟ حضرت می‌فرمایند: بله.

**وجه غیر قابل مناقشه بودن:** کاملاً روشن است که در ذهن راوی، این موضوع مسلم تلقی شده که اگر کسی ثقه باشد، می‌توان برای به‌دست آوردن مسائل دینی به او رجوع کرد و روایات ائمه را از او فرا گرفت؛ از این رو، با توجه به اینکه امام در پاسخ از سؤال راوی فقط به «نعم» اکتفا می‌کند، پس تلقی ذهنی راوی (جواز رجوع به هر ثقه‌ای) مورد تأیید امام می‌باشد.

Sco3: 19:32

### اشکال کلی به استدلال به روایات این طایفه

**اشکال:** عدد روایات غیر قابل مناقشه در این طایفه که بتوان به آنها استدلال کرد، به حدی نیست که تواتر محقق شود.

**توضیح:** اگر روایات قابل استدلال به حد تواتر - که مفید علم به صدور است - نرسند، خود روایات این طایفه، خبر واحد خواهند بود و نمی‌توان با خبر واحد که ظنی الصدور است، حجّیت خبر واحد را اثبات کرد؛ چرا که این کار، اثبات حجّیت یک ظنّ با ظنی دیگر از همان سنخ است، که دور به شمار می‌رود.

### پاسخ کلی به اشکال

**پاسخ:** علم به صدور این اخبار، از طریق جمع‌آوری قرائن و اتکای به آنها نیز ممکن است.

**توضیح:** همان‌طور که می‌دانیم، در مقابل خبر واحد که ظنّ به صدور آن داریم، دو دسته از روایات، قطعی الصدور می‌باشند: ۱. اخبار متواتر؛ ۲. اخبار محفوف به قرائن مفید علم به صدور.

هر چند روایات تام الدلاله و غیر قابل مناقشه در طایفه دهم، به حدّ تواتر نمی‌رسند، ولی برخی از روایات غیر قابل مناقشه این طایفه، محفوف به قرائنی هستند که موجب اطمینان شخصی به صدور آنها می‌شود. برای مثال، ویژگی‌هایی که در رجال سند یک حدیث وجود دارد، می‌توانند یکی از این قرائن باشند؛ مثل اینکه تمام رجال سند یک روایت، از اصحاب خاص معصومین باشند که هیچ شکی در گفتارشان وجود ندارد. بنابراین گاه مجموع قرائن جمع‌آوری شده، استدلال‌کننده را به اطمینان می‌رساند که برخی از روایات غیر قابل مناقشه این طایفه، قطعی الصدور هستند.

Sco 4: 27:01

۱. طایفه دهم از روایاتی که برای حجّیت خبر واحد به آنها استدلال شده ، بهترین روایات در بین روایات طوایف دهگانه هستند؛ چرا که دلالت روشنی دارند و مدلول آنها حجّیت خبر واحدی است که از ثقه نقل شده است.
۲. روایات این طایفه، یا مراجعه‌کنندگان را به افراد ثقه ارجاع می‌دهند و یا در تعلیلی که برای ارجاع به برخی اشخاص ارائه می‌دهند، علت ارجاع را ثقه بودن آن اشخاص معرفی می‌کنند.
۳. برخی از روایات این طایفه نیز قابل منا قشه می‌باشند و احتمال می‌رود که منظور از «ثقه» در آنها، اصحاب خاص معصومین باشند نه تمامی افراد ثقه؛ اما دسته‌ای دیگر از این روایات، کاملاً روشن و غیرقابل مناقشه هستند.
۴. روایات غیرقابل مناقشه از این طایفه به حدّ تواتر نمی‌رسد، اما از طریق قرائنی می‌توان به صدور آنها علم پیدا کرد و استدلال به این روایات، بی اشکال خواهد بود؛ در غیر این صورت ، از آنجا که خود این روایات ، خبر واحد محسوب می‌شوند ، استدلال به آنها برای حجّیت خبر واحد، به دور منجر شده و قابل پذیرش نخواهد بود.